

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲ دی ماه ۱۳۱۰ * (۱۴ شعبان ۱۳۵۰)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) اقتراع شعب
- ۳) مذاکره در لایحه تعیین تکلیف بقایای مالیاتی
- ۴) اقتراع جهت شرفایی بمناسبت عید مولود حضرت حجة
- ۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه بیست و هشتم آذر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

[۱ - تصویب صورت مجلس]

شعب جدید را اقتراع کنیم عده حاضر در مرکز صدور بانزده نفر که بهر شعبه نوزده نفر میرسد بکنفر که علاوه است بشعبه اول افزوده میشود .

[اقتراع بعمل آمده نتیجه به ترتیب ذیل حاصل شد]

شعبه اول - آقایان: مژدهی - افسر - امیرحسین خان بختیاری - حاج میرزا حبیب الله امین - طباطبائی و کیلی دکتز ملک زاده - محمدعلی میرزا دولتشاهی - لبقوانی - دکتز سنک - ملک آرائی - آقا میرزا سید احمد بهبهانی - طهرانی - ملک زاده آملی - احتشام زاده - آقا سید کاظم بزدی مقنی - طهرانی - رضاقلیخان باستانی - بوشهری شعبه دوم - آقایان: دکتز امیرخان اعلم - فتحعلی خان بختیار - ملک مدنی - اعتبار - بنکدار - دکتز ضیائی شریفی - هزارجریبی - کفائی - اورنگ - آدینه جان مارعلی - حاج علی اکبر امین - فروزی - فهیمی - افخمی میرزا اسدالله فقیه - ناصری - ارکانی - فتوحی .

رئیس - آقای طهرانی .
 طهرانی - قبل از دستور .
 رئیس - آقای دیبا .
 طباطبائی دیبا - در صورت مجلس صورت حاضر و غائب خوانده نشده بنده عقیده ام این است که کمیسیون عرایض و مرخصی صورت حاضر و غائب جلسه سابق را در جلسه لاحق حاضر نماید .
 رئیس - همینطوریکه فرمودید مرجع این بود که کمیسیون منعقد میشد ولی کمیسیون منعقد نشده بود منعقد میشود راپرتش داده میشود ضمیمه مینمایند . در صورت مجلس دیگر نظری نیست (اظهار شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد .

[۲ - اقتراع شعب]

رئیس - اوقات شعب بانتهای رسیده و حالا بایستی که

* عین مذاکرات مشروح پنجاه و نهمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

شعبه سوم - آقایان: وهابزاده - میرزا محمدخان وکیل بیات ماکو - قراگوزلو - میرزا صادقخان اکبر - مولوی قوام - دربانی - دبیر سهرابی - فرشی - حبیبی - جمشیدی صفاری - حاج حسین آقا مهدوی - دکتر لقمان - محیط آصف - کازرونی - همراز .

شعبه چهارم - آقایان: دشمنی - اسدی - معتصم سنگ مسعود ثابتی - معتضدی - محمد ناصر خان قشقائی - طباطبائی دیبا - مخبر فرهند - آقا سید مرتضی ونوق - ارباب کیخسرو شاهرخ - مقدم - میرزا بانس - حاج میرزا حسین خان فاطمی - مجد ضیائی - حیدری - فاطمی موقر - یونس آقا وهابزاده - دادور .

شعبه پنجم - آقایان: ایزدی - دادگر - رهنما - عراقی - امیر دولتشاهی - دکتر عطاء الله خان سمیعی - تربیت - آقا میرزا محمد حسین نواب - شریعتزاده - ثقة الاسلامی - رهبری - حکمت - امیر تیمور - آشتیانی دهستانی - خواجوی - چایچی - امیر عامری - سهراب خان ساکینیان .

شعبه ششم - آقایان: طالش خان - دکتر شیخ - ابوالحسن خان پیرنیا - محمد تقیخان اسعد - حاج میرزا حسن خان اسفندیاری - اسکندری - امیر ابراهیمی - مصدق جهانشاهی - مؤبد احمدی - حسنعلی میرزادولت شاهی دبستانی کرمانی - میرزا حسین خان افشار - مسعودی خراسانی - لاریجانی - بیات - حسینقلی خان نواب - علوی سبزواری - روحی - اسمعیل خان قشقائی .

(شعبه یک افزوده گردید - حاج محمد رضا بهبهانی)
[۳ - مذاکره در لایحه تعیین تکلیف بقایای مالیاتی] رئیس - آقای دیبا تقاضا کرده اند که لایحه بقایای مالیاتی در درجه اول مطرح شود (صحیح است)

هزار جریبی - بنده مخالفم

رئیس - با طرحش مخالفید؟

هزار جریبی - با ماده اولش مخالفم

رئیس - پس لایحه قرائت می شود:

ب) مالیاتهاییکه اشخاص در مقابل آن دعوی مطالباتی داشته و تا کنون محاسبه آنها خاتمه نیافته است

ج) بقایایی که بموجب قرار دادهای مخصوص منعقد بین ادارات مالیه و مؤدیان ترتیب تصفیه و استهلاك آن داده شده است از دفاتر مالیاتی دولتی حذف و مدیونین را از پرداخت معاف نماید بقایای مؤدیان که مالیات سالیانه آنها از بیست تومان تجاوز نمی نماید تا آخر ۳۰۴ معاف و از دفاتر مالیاتی حذف خواهد شد

استثناء فوق شامل بقایای مالیاتی قبل از ۱۲۹۰ شمسی که بطور کلی و بلا استثناء معاف میشود نخواهد بود در سایر مواد عین خبر اول را برای تصویب تقدیم می نماید .

رئیس - آقای هزار جریبی

هزار جریبی - بنده در این ماده مخالفت کردم برای استثنائی که در اینجا بود چون در کمیسیون بنده عرض کردم چنانچه درست بشود بنده موافقم لیکن در کمیسیون مالیه در شور اول که بنده نبودم کسالت داشتم در شور دوم ایراد کردم ولی انجانکذا شدند اصلاح شود و اصلاح نشد این است که در شور دوم با اینکه عضو کمیسیون مالیه هستم این جا مخالفت میکنم باین جهت است که عرض کردم البته همه ماها میدانیم که ایران در ۱۲۹۰ که بیست سال قبل باشد (۱۳۳۰ هجری) در ایران يك انقلابات بزرگی بود یعنی از ۱۳۲۴ که انقلابات ایران شروع شد تا ۱۲۹۹ که نشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی بان خاتمه داد از هزار و سیصد شمسی آنوقت ایران يك صاحب معینی پیدا کرد و شروع کرده است بترقی در ۱۳۳۰ استرآباد حالش انطور در انقلاب مازندران در انقلاب (افسر - صحیح است) آذربایجان هم در تصرف روسها بود خراسان قشون انگلیس در آنجا بود در تمام ایران انقلاب بود ایران يك بارچه آتش بود و هر کسی هر کاری میخواست میکرد و مردم همینقدر میتوانستند خودی حفظ کنند ژنرال بارانف روسی را در استرآباد مرحوم خلعت بری گذاشته بود سر املاکش که این خالصجات من است و در آنجا تمام

مالیاتهای مردم را می گرفتند . میرزا علی اکبرخان که امروز جزو اداره شیلات است او هم معاون بود - در تبریز که خود بنده رفتم مرحوم شجاع الدوله در آنجا فرمانفرما بود و هر چه دلش میخواست میکرد مازندران هم در تحت او امر استرآباد بود وقتی که استرآباد دست قشون روس بود آنجا بطریق اولی وقتی بنده رفتم در استرآباد از سدن ده خود بنده تا استرآباد يك فرسخ و نیم راه است بنده يك فرسخ راه را با هفتاد نفر تفنگچی رفتم در صورتیکه این دفعه بنده هفت ساعت از شب رفته از بندر شاه با اتومبیل رفتم با استرآباد درین راه اتومبیل خراب شد در صحرا بودیم تا اتومبیل دیگری برسد حتی يك برونیک هم نداشتم امروز را نمیتوانیم با آنروز مقایسه کنیم پس از سنه ۱۳۰۰ اعلیحضرت شروع کردند باصلاح ایران و همه نوع قدرت بخرج دادند و امروز میبینیم که ایران سرتاسر منظم است حالا می آید میگویند که حساب بیست سال قبل را بدهند! این لفظ استثناء را که آورده اید اصلاً این عملی نیست که در این قانون نوشته شده باین است که ابوابجمعی کسی بوده قشون داشته سوار داشته سرباز داشته در آنجا و مالیات می گرفته اند حالاً من یکی یکی اینجا میخوانم و عرض میکنم در ماده اول در قسمت الف مینویسد: مالیاتهاییکه ابوابجمعی اشخاص بوده و محاسبه خود را تصفیه نموده اند (ب) مالیاتهاییکه اشخاص در مقابل آن دعوی مطالباتی داشته و تا کنون محاسبه آنها خاتمه نیافته است در مسئله (ج) حرفی نیست البته هر کس سند داده و بطور استهلاك باید بدهد يك مالیاتسی باقیمانده است بنده هم حرفی ندارم موافقم که باید وصول شود ولی بنده می بینم که این موضوع با تمام مردم تماس پیدا میکند و اسباب زحمت برای عموم مردم تولید میکند . مردم مالیاتشان را داده اند مجاهد مالیات گرفت حکومت مالیات گرفت يك صاحب زور مالیات گرفت امروز چطور میشود مالیات بیست سال قبل را از مردم مطالبه کرد . بنده نهایت اطمینان را با آقای وزیر مالیه و آقای سیاح معارن دارم و یقین میدانم که اینها

مردمان نیک نفسی هستند ولی وقتی که وضع ادارات مالی را می بینیم و وقتی که یک کار هائی میکنند که نمیتوانیم بگوئیم چرا اینطور است این است که این تذکرات را میدهیم مأمورین مالی هر طوریکه دلشان میخواهد مردم را اذیت میکنند خصوصاً نخبیداران مالی و ما یک قانونی گذرانیدیم که این موضوع مأمور و تحصیلدار از بین برود. در همین استرآباد بنده خودم دادم عباسخان تحصیلدار پسر میر فندرسکی را برای ده تومان بچوب بسته و صد تا شلاق زده و مالیه هم هیچ امری نداد رئیس مالیه استرآباد در خانه مردم نشسته است کرایه آن را نمیدهد در سایر جاها هم همینطور است تمام این مردم از دست آنها گرفتارند این است که بنده یک پیشنهادی دارم در این خصوص اگر توضیح دادند آقای معاون مالی که بنده قانع شدم البته مسترد میدارم و الا بنده عرض میکنم خوبست باز هم مطالعه کنند ولی بنده قطع دارم در این کار برای مردم اسباب زحمت خواهد شد چطور میشود مالیات بیست سال قبل را از مردم مطالبه کنند؟!

معاون وزارت مالیه «سیاح» - بنده تصور میکنم که برای نماینده محترم اشتباهی حاصل شده است بجهت اینکه در این ماده گفته نمیشود که از مؤدبان مالیاتی مالیات بیست سال قبل گرفته شود. این لایحه مطابق همان منظور است که ایشان دارند اینجا گفته میشود تا آخر هزار و سیصد و یک بکلی از بقایای مؤدبان صرف نظر میشود یعنی از مؤدبان مالیات چیزی نخواهند گرفت ولی اشخاصیکه با مالیه یک حسابی داشته اند یک ابوابجمعی هائی داشته اند و مالیات هائی را گرفته اند یعنی بجای مأمور دولت یا مأمور وصول مالیات بوده اند منتهی بطور کمترت و قرار داد ابوابجمعی شان بوده است املاک دیگران را نه املاک خودشان را آنها مالیاتشان را می گرفته اند بطور ابوابجمعی آن اشخاص باید مالیات دولت را بدهند ولی گفته نمیشود که هر مؤدی مالیاتی باید مالیات بیست سال قبل را بدهد. اصل این لایحه مینویسد: مؤدبان مالیاتی تا آخر سنه ۱۳۰۱ تماماً باید بدهیشان صرف نظر شود و معاف باشند استثنائی که در این

جاشده است ممکن است مورد این سوء تفاهم شده باشد این است که قبل از ۱۲۹۰ اگر یک قرار دادی هم بوده است آنها هم بکلی ملغی شود اصلاً از آن اشخاص هم که ابوابجمعی نداشته اند دیگر مطالبه نکنند اگر درست این لایحه را مطالعه کنند معلوم خواهد شد که مؤدبان مالیاتی هیچ کاری ندارند و آنها راحت خواهند شد این قانون فقط برای این پیشنهاد شده است که رفع این اشکالات بشود و اصلاً اشکال پیدا نشود که با مؤدی طرف بدهد. از هزار و سیصد و دو بعد هم هم دفاتر مالیاتی مرتب است و هم مردم اسنادشان صحیح است و در دسترستان است.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - بنده هم نظر آقای هزار جریبی را داشتم یعنی این لایحه و خبر کمیسیون قدری روشن بشود و میخواستم از طرف آقای معاون وزارت مالیه توضیحی داده شود که اشکالی تولید نشود. این توضیحی که آقای معاون دادند کافی بود و رفع اشکال میکرد و مقصودشان این بود که قبل از سنه ۱۳۰۲ بقایای مالیاتی که پیش اشخاص باقیمانده است نظریان مقتضیاتی که در آندوره بوده است صرف نظر کنند و از آنها نگیرند مجلس هم همین نظر را دارد دولت هم همین نظر را دارد غیر از اینکه نظر دیگری نبوده در لایحه باستثناء همان قسمت هائیکه فرمودند. فرض کنید یک کسی حسابهای مالیاتش را تصفیه کرده است و سند قطعی هم سپرده او البته باید بدهد ولی سایر مؤدبان مالیاتی که تا آخر سنه ۱۳۰۱ محاسبه مالیاتی آنها تصفیه نشده دولت نباید از آنها مطالبه کند بنده نظرم این است که چون لایحه قدری روشن نبود توضیحی بدهند که این در مذاکرات مجلس سابقه باشد که یکوقتی باز در خصوص مالیات برای اشخاص اشکالی تولید نشود.

رئیس - آقای دیبا موافقید؟

طباطبائی دیبا - خیر.

باشد خبر آن باید بدهد مثلاً کسیکه هزار تومان مالیات بده باشد و بیست تومانش باقی مانده باشد او خیر. اشخاصی که تمام مالیات بدهیشان از بیست تومان تجاوز نمیکند معاف هستند.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده که بدو اجازه خواسته بودم در قسمت اول مخالف بودم ولی با توضیحی که آقای معاون دادند رفع اشکال بنده شد ولی باید یک عبارتی اضافه شود و تصریح شود که از مؤدبان مالیات مطالبه نخواهد شد و الا اگر تصریح نشود ممکن است بعد باز اسباب اشکال فراهم شود که هم بروند از مؤدبان مالیاتی مطالبه کنند و هم از اشخاصیکه صاحب جمع هستند. یک پیشنهادی هم در این زمینه تهیه و تقدیم کرده ام و بنده عقیده ام این است که علاوه شود که دیگر از مؤدبان مالیات مطالبه نخواهد شد.

معاون وزارت مالیه - اینکه آقای فرمایند عین این در آخر ماده نوشته شده است و دیگر ذکر این استثناء که از مؤدبان مالیاتی مطالبه نکند مورد و لزومی ندارد **رئیس** - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - بنده در این ماده اشکالی داشتم که در شور اول هم بعرض آقایان رسید بنظر بنده همینطور که آقایان توضیح دادند راجع بمؤدبان دیگر اشکالی باقی نماند انصافاً لایحه طوریت که تا سنه ۱۳۰۲ مؤدبان را بکلی معاف میکند و در قانون دوسه جا توضیح شده فقط بنده عرضیکه دارم راجع بفرمایشی است که آقای هزار جریبی فرمودند استثناء های ما برسه قسم است یکی اشخاصی هستند که قرار دادهائی با دولت داشته اند که البته کسی حرفی ندارد و باید مطابق قراردادشان رفتار کنند و این مسلم است دوم اشخاصی هستند که ادعای طلب داشته اند از دولت یک مقدار از مالیات را نگاه داشته اند البته آنها هم باید بیابند و حسابشان را تصفیه کنند باقی میماند شق سوم که اینرا بنده نمیدانم از حیث عمل چه جور باید بکنیم. آقای سیاح خوب میدانند اگر هم میخواهید

رئیس - آقای مؤید احمدی موافقید؟

مؤید احمدی - خیر

رئیس - آقای رهنما موافقید؟

رهنما - بنده یک پیشنهادی دارم که تقدیم می کنم

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - بنده میخواهم توضیحی بدهم که راجع باصل موضوع است

رئیس - در مقابل آقای ملک مدنی میخواهید توضیح بدهید؟

فاطمی - بل

رئیس - بفرمائید

فاطمی - در کمیسیون در این لایحه چندین جلسه کاملاً با حضور آقای وزیر مالیه و آقای سیاح مذاکره شد و چون حالا اینجا ممکن است سوء تفاهمی بشود خواستم توضیحی بدهم اصولاً این بقایا سه قسم میشود یک بقایای عمومی است که تا اول سنه ۱۳۰۱ که بطور کلی معاف میشود یک بقایای است که مبلغش تا بیست تومان است تا آخر ۱۳۰۲ معاف میشود فقط بقایای که از سنه ۱۳۰۲ بعد ممکن است وزارت مالیه مورد مطالبه بگذارند یکی از این سه قسم است که در اینجا گذارده شده یک قسم اشخاصیکه ابوابجمعی مالیه بوده اند یعنی مالیاتهای اشخاص ابوابجمع آنها بوده که گرفته اند و حسابشان را با مالیه تصفیه نکرده اند باید تصفیه کنند این یک قسم است یک قسم هم مالیات هائی است که در مقابل آن اشخاص ادعای مطالباتی دارند و هنوز حسابشان تصفیه نشده یک قسم هم اشخاصیکه مالیاتهای گذشته را نپرداخته اند حالا آمده اند با وزارت مالیه یک قرار دادهائی کرده اند که آنها را بپردازند این است که حالا اگر غیر از آن چیز در اینجا گفته شود آن مورد تصویب کمیسیون واقع نشده است برای خاطر این میخواستم عرض کنم که آقایان خوب توجه داشته باشند. این بیست تومان هم مقصود مؤدبان مالیاتی است که از بیست تومان مالیات آنها تجاوز نمیکند نه آن کسیکه تمهه مالیاتش بیست تومان

وضعیت افراد ایل و امهال صاحب جمان رعایت مقتضی را از حیث اعطاء تخفیف و امهال بعمل آورده محاسبه سنواتی را تصفیه نماید پس نگرانی از این حیث نباید باشد و ماده هشتم این نظر نمایندگان محترم را تأمین مینماید.

رئیس - آقای رهنما

رهنما - بنده عرضی ندارم يك پیشنهادی تقدیم کرده ام

رئیس - آقای افسر

افسر - بالاخره آن قسمتی را که آقا توضیح دادند

جواب آقای هزار جریبی و آقای مؤید احمدی نسبت البته

آقای هزار جریبی متذکر شدند نکاتی را که همه اش در

نظرمان بود و بنده هم کاملاً با آن نکات موافق هستم

ولی يك عبارتی را فرمودند که باید توضیح داده شود

(صحیح است) چون عبارت ایشان این بود که فرمودند

تصرف مثل اینکه آذربایجان یا استرآباد یا خراسان یا

گیلان در تصرف سایرین بود در صورتیکه بهیچوجه

من الوجوه هیچ نقطه از نقاط ایران بعنوان تصرف در

در دست سایرین نبود (نمایندگان - صحیح است) هیچ

وقت ولو کوچکترین ده سرحدی ما (صحیح است)

بلدی قشوق آوردند تمام مظالم را بدهات نقاط

سرحدی و غیر سرحدی وارد کردند ولی اسم تصرف

هیچوقت و بهیچوجه در کار نبود (صحیح است) بدرفتاری

کردند تمام مشکلات را تولید کردند ولی لفظ تصرف

را هیچ روزنامه مخالف هم حتی در آن اوقات ننوشت

(صحیح است) هیچکس نگفت و ننوشت و نشنید (صحیح

است) و این اول حرفی است که بنده شنیدم و البته از شدت

مظالم آنها بوده است که آقای هزار جریبی این عبارت را فرمودند

(هزار جریبی - صحیح است) ولی هیچ تصرفی نشده

است (صحیح است) و این قسمت لازم بود توضیح داده

شود (صحیح است) و این نکته را هم راجع بمخود ماده

باید عرض کنم برای اینکه این مطالب که گفته شد رفع

شود باید این عبارت که بنده پیشنهاد کرده ام در ماده

گنجانیده شود که اگر مدلل کرد بجهتی از جهات توانسته

است وصول کنند از راه رسیدگی کنند یعنی اگر آن کسی که می فرمایند ابواب جمعی داشته است مدلل کرد و ثابت کرد در محاکمات مالیه یا در سایر محاکم که مالیه تعیین میکند که نتوانسته است در آن موقع آن مالیات و آن ابواب جمع خود را کلاً یا جزئاً وصول کند قراری راجع بآن بدهند و بی جهت او را تعقیب نکنند چیزی که نکرفته است مدلل هم کرده است که نگرفته چگونه بدهد ولی اگر گرفته است البته دولت طلب دارد از او باید بگیرد و الا اگر اینطور نبود دیگر نه باو باید کار داشت نه برعیت اما اگر گرفته باید از او بگیرند و هیچ قابل استثناء نیست. اما اگر باین عبارت ماده بخوانند اکتفا کنند این صحیح نیست و اسباب زحمت میشود در صورتیکه منظور و مقصود شمارا احتی و آسایش مردم است و از همین جهت این لایحه را تقدیم کرده اید. مطلب دیگر اینکه اگر دقت فرموده باشید آنوقت ها ابواب جمع مثل کمترت نبود يك امین مالیه بفلان ایل یا فلان بلوک مخصوص میفرستادند يك نفر مأمور را میفرستادند بفلان ایل میگفتند که اینجا ابواب جمع تو است در حدود سه هزار تومان یا پنجهزار تومان این را بگیر و گاهی بود که تا آخر همانسال هم نمی گذاشتند بماند و دوماه بعد يك نفر دیگر را میفرستادند سه ماه بعد کسی دیگر را میفرستادند و ابواب جمعی او میشد و معلوم نبود که این ابواب جمعی تعهد طرفینی و الزام آور باشد می گفتند تو مأمور وصول هستی بعد دیگری را میفرستادند حالا ممکن هم هست بین خودشان يك تعهداتی شده باشد یا گفته باشند مالیات را ما خودمان میدهیم این هم هست ولی قرارداد قطعی نبوده اگر هم بوده خیلی کم بوده است غالباً مأمور وصول میفرستادند در بعضی نقاط هم دیده شده که تعهداتی کرده اند گفته اند که تو باید فلا نقدر بگیری و بدهی و با حقوق تو فلا نقدر منظور میشود یا مردم خودشان مالیاتهایشان را جمع میکردند و میدادند بآن مأمور وصول که ابواب جمعی خود را بگیرد و ببرد بخوبل بدهد حالا در اغلب نقاط که آن مأمور وصول ابواب جمعی داشته است شاید در محل بقایای داشته و نتوانسته است بگیرد یا موانعی بوده و محظوراتی

داشته مقصود بنده و آقای هزار جریبی و آقای مؤید احمدی این است که اگر آن صاحب جمع و ابواب جمع دار مدلل کرد بجهتی از جهات نتوانسته است دریافت کند او را معاف کنند (صحیح است) ولی اگر نتوانست مدلل و ثابت کند البته از او باید بگیرند (صحیح است)

معاون وزارت مالیه - نقاطی که ابواب جمع اشخاص

بوده است بموجب قراردادهای مخصوص بوده است نه اینکه

اشخاص مباشر و نخصبیلدار بوده اند ما اینها را جزو

اشخاصیکه ابواب جمع داشته اند حساب نمیکنیم مقصود ما

اشخاصی هستند که بموجب يك قرارداد و تعهدی قرارداد

قطعی ابواب جمعی داشته اند. بنده عرض کردم در ماده

هشتم راجع باین قسمت پیش بینی شده است و اگر ما

بخواییم این مطالبی که فرمودند ذکر کنیم در ماده

مواردش خیلی زیاد است و باید همه را گنجانید سی چهل

جور میشود و هر کدام يك شکل خاصی دارد یعنی

هر کسیکه يك ابواب جمعی داشته است و يك مشکلاتی

داشته است يك صورت مخصوصی دارد که نمیشود همه را

در ماده ذکر کرد و پیش بینی کرد و آن طرز را نوشت

بهمین جهت در ماده هشتم این قسمت بطور کلی ذکر

و پیش بینی شد که وزارت مالیه مجاز است نسبت باین قبیل

موارد بخصوص رسیدگی کرده و تا اندازه که تشخیص کرد

صحیح است معاف بکند و با این ترتیب که عرض کردم

گمان نمیکنم هیچ اشکالی باشد و ماده هشتم منظور

آقایان محترم را تأمین کرده است.

رئیس - آقای عراقی.

عراقی - بنده چندان مخالفتی ندارم ولی عبارتی که

در این خبر گنجانده شده است يك قدری مطلب را

مغشوش کرده است برای اینکه مراد دولت مسلم و معلوم

است که غیر از این سه قسمتی که در این جا استثنا کرده

است باقی دیگر را معاف کرده اند ولی این جور است که این

جا نوشته شده مقصود را نمیرساند برای اینکه این جا

نوشته شده است: وزارت مالیه مکلف است بقایای مالیاتی

سنوآه قبل از ۱۳۰۲ املاك را باستثنای موارد ذیل :
 آنوقت استثناها را ذکر کرده است
 الف - مالیاتهاییکه ابوابجمعی اشخاصی بوده و محاسبه
 خود را تصفیه نموده اند . ب - مالیاتهاییکه اشخاص در
 مقابل آن دعوی مطالباتی داشته و تا کنون محاسبه آنها
 خاتمه نیافته است . ج - بقایائی که بموجب قرار داد
 های مخصوص منعقدہ بین ادارات مالیه و مؤدیان ترتیب
 تصفیه و استهلاك آن داده شده است این قسمت (ج) يك
 طوری تنظیم شده است که اصلاً آن استثناها يك تناقضی
 پیدا کرده است مگر اینکه يك ترتیبی بدهند که این
 معلوم بشود البته غرض هم معلوم است که مراد از قسمت
 (ج) این است که آن بقایائی که بموجب قرار داد های
 مخصوص منعقدہ بین ادارات مالیه و مؤدیان ترتیب تصفیه
 و استهلاك آن داده شده است آنها هم جزو این استثناها
 باشد . آنوقت تمهه این بر می خورد باینکه میگوید :
 بقایای مالیاتی قبل از ۱۳۰۲ را از
 دفاتر مالیاتی محذوف کنند و این عبارت هیچ خوب نیست
 و مقصود را درست نمیرساند خوبست عبارت را آقای مخبر
 يك طوری درست کنند که مطلب را برساند و مقدم و مؤخر
 کنند جمله را تا عبارت درست بشود .

کازرونی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - در
 کمیسیون ما مطالعات زیادی کردیم و هیچیک از ما اشکال
 عبارتی در ماده ندیدیم آقا هم که در اصل مطلب مخالف
 نبودند فقط میفرمایند که عبارت درست مقصود را نمیرساند
 بعقیده بنده خیلی عبارت درستی است سه مورد است که
 مستثنی میشود در ذیل آن هم خبر آن مبتدا را نوشته اند
 که باستثنای این سه مورد بایستی اینطور معامله بشود
 که در ماده ذکر شده و بعقیده بنده عبارت خوبست و روشن
 و در هر صورت مقصود جناب عالی از معنی است که
 معنایش حاصل است و اگر چنانچه راستی راستی عبارت
 بهتری در نظر داشته باشید که مطلب را بهتر برساند و روشن تر
 کند خوب بود بیان میفرمودید یا حالا پیشنهاد بفرمائید .

بایست آقای مخبر بهتر تنظیم کنند با يك پیشنهادی بدهند
 که مطلب سر راست و واضح باشد مؤدیان مالیات یا
 آنهایی که قرار دادی داشته اند اگر يك اختلافی پیدا
 کردند با تحصیلدارها او در محل بوده است او میگرفته
 است آنوقت اینجا خود وزارت مالیه که مدعی و بگیر
 است حل کردنش بتوسط خودش کار خیلی خوبی نیست
 ما بایستی برای مردم يك راهی نشان بدهیم که اگر
 اختلافی بین شان تولید شد مرجع رسیدگی شان فلان
 محل است و بکنام محکمه باید رجوع کنند لا اقل
 بمحاکات وزارت مالیه مراجعه کنند والا شخص رئیس
 مالیه محل بیاید بگوید این بدهی را باید بدهی و خودش
 رسیدگی بکند این خوب نیست و این را باید برگردانند
 بکمیسیون و اصلاح کنند و واقعاً طوری بکنند که
 اسباب زحمت مردم فراهم نشود و لا اقل مرجع را محاکات
 مالیه قرار بدهند نه رئیس و امین مالیه و اداره مالیه
 محل را که اسباب زحمت برای مردم بشوند . (صحیح است).
رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
 پیشنهاد مینمایم در قسمت الف جمله ذیل به ترتیب
 ذیل اصلاح شود

الف - مالیاتهایی که ابوابجمع اشخاص بوده و محاسبه
 خود را تصفیه نموده اند (که از خود آن اشخاص مطالبه
 خواهد شد)

رئیس - آقای هزار جریبی این پیشنهاد مال شماست
 که امضا نکرده اید؟

طباطبائی دیبا - خیر مال بنده است

رئیس - بفرمائید

طباطبائی دیبا - چنانکه مذاکره شد عمده مقصود از
 این لایحه آسودگی و آسایش مؤدیان مالیاتی است
 ولی توضیحی هم که آقای معاون دادند ظاهراً رفع اشکال
 را کرد لیکن عقیده بنده این است که اگر این جمله
 تصریح بشود بهتر است که از خود اشخاص که صاحب

جمع هستند از آنها مطالبه خواهد شد از مؤدیان مالیاتی
مخبر - بنده که گمان نمیکنم از این عبارت هیچکس
 بفهمد که از غیر از این اشخاص چیزی مطالبه میشود
 (صحیح است) اشخاص يك ابوابجمعی دارند يك سندی بدولت
 سپرده اند دولت میگوید بر طبق ابواب جمع نان باید پول
 بدهید یعنی تصور می کنید که دولت او را بگذارد و بیاید
 مرا بگیرد؟ این که نمیشود این طور نیست البته از
 خودشان میگیرند پس با این ترتیبی که عرض کردم
 وارد کردن این عبارت در این قانون يك خورده خوب
 نیست و گمان نمیکنم مقتضی باشد .

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای دیبا را قابل توجه
 میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند) قابل توجه
 نشد پیشنهاد آقای رهنما قرائت میشود .

بنده ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم

ماده اول - وزارت مالیه مکلف است بقایای مالیاتی
 سنوات قبل از ۱۳۰۲ املاك را از دفاتر مالیاتی دولتی
 حذف و مدیونین را از پرداخت معاف نماید . بقایای
 مؤدیان که مالیات سالانه آنها از بیست تومان تجاوز
 نمی نماید تا آخر ۱۳۰۴ معاف و از دفاتر مالیاتی حذف
 خواهد شد .

موارد ذیل مشمول این معافیت نخواهد بود .

الف - مالیاتهاییکه ابوابجمعی اشخاص بوده و محاسبه
 خود را تصفیه نموده اند .

ب - مالیاتهاییکه اشخاص در مقابل آن دعوی مطالباتی
 داشته و تا کنون محاسبه آنها خاتمه نیافته است .

ج - بقایائیکه بموجب قرارداد های مخصوص منعقدہ
 بین ادارات مالیه و مؤدیان ترتیب تصفیه و استهلاك آن
 داده شده است .

استثنای فوق شامل بقایای مالیاتی قبل از ۱۲۹۰
 شمسی که بطور کلی و بلا استثناء معاف میشود نخواهد بود
رئیس - آقای رهنما

رهنما (در محل خود) - عرض کنم که این پیشنهاد بنده

رئیس - آقایان نند نویسه نمى توانند بشنوند بیایید این جا .

رهنما - مفصل عرض نمى کنم .

رئیس - جلوتر بیایید آقا . چون صدای شما هم نسبه آهسته است

رهنما - چشم (آمدند بمحل نطق) این پیشنهاد بنده در اصل ماده پیشنهادی کمیسیون تغییرى نمى دهد و عین همان ماده است (صحیح است) منتهى بيك شكلى كه منظور آقایان نمایندگان بهتر تأمین شود و عبارت واضح و روشن باشد آن را تنظیم کردم و اصلاح عبارتی نمود ولی در اصل مطلب تغییرى داده نشده و عین همان است و قبول آنهم گمان نمیکنم اشکالی داشته باشد (صحیح است)

مخبر - چون اصلاح عبارتی است و در معنی تفاوتی حاصل نمیشود بنده میپذیرم

یکی از نمایندگان - دو مرتبه قرائت شود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم :

ماده اول - وزارت مالیه مکلف است بقایای مالیاتی سنوات قبل از ۱۳۰۲ املاک را از دفاتر مالیاتی دولتی حذف و مدیونین را از پرداخت معاف نماید . بقایای مؤدیانی که مالیات سالیانه آنها از بیست تومان تجاوز نمی نماید تا آخر ۱۳۰۴ معاف و از دفاتر مالیاتی حذف خواهد شد . موارد ذیل مشمول این معافیت نخواهد بود :

الف - مالیاتهاییکه ابوابجمعی اشخاص بود و محاسبه خود را تصفیه نموده اند

ب - مالیاتهاییکه اشخاص در مقابل آن دعوی مطالبانی داشته و تاکنون محاسبه آنها خاتمه نیافته است

ج - بقایایی که بموجب قرارداد های مخصوص منعقد بین ادارات مالیه و مؤدیان ترتیب تصفیه و استهلاك آن داده شده است

استثنای فوق شامل بقایای مالیاتی قبل از ۱۲۹۰ شمسی که بطور کلی و بیلا استثناء معاف میشود نخواهد بود .

در هر موردی وزارت مالیه اگر دبد ذی حق هستند بتوانند مساعدت کنند اگر يك شخصى يك جائى ابواب جمعش بوده است ده سال و شرط هم بوده است که اگر بقایایی هم داشته است بر عهده خودش بوده باشد یعنی بطور مقطعه بوده است آنوقت نباید بگوید من از محل نگرفته ام اصلا تشخیص این از برای وزارت مالیه نهایت اشکال را دارد برای اینکه آنها که ابوابجمعی شان بوده است ارقام صحیحی بوده و گرفته اند و حالا بگویند نگرفته ام بایستی رفت و يك بلوکی را رسیدگی کرد آنوقت تمام رعایای آن قسمت بزحمت خواهند افتاد بنا بر این بنده با این پیشنهاد موافق نیستم و ماده ششم رفع تمام این اشکالات را می کند

رئیس آقای افسر

افسر - ایشان درست ملاحظه و دقت فرمودند ما نخواستیم بمجرد اینکه او بگوید من نگرفته ام دیگر مالیه تحقیق و تفیش نکند خیر ما اثبات را بعهده او گذاشتیم و گفتیم که اگر او مدلل کرد که این جور بود يك قوه قاهره بود تبعیدش کرده اند بهندوستان با بلای دیگری بر سر آمده اینها نظایرش خیلی هست (صحیح است) خوبست يك قدری مطالعه فرمائید در تاریخ . همانطور که آقای هزار جریبی فرمودند آنوقت تصدیق میفرمائید مانگفتم که برود در عدلیه . خیر برود در محاکمات مالیه ملاحظه فرمائید از ۱۵۰ سال قبل بنچاقی را که آدم حاضر می کنند محاکمات مالیه يك دقایقی میکند که نمیخواهم جزئیاتش را عرض کنم این جا هم که در پیشنهاد ما نوشته ایم با هزار اگر و قید یعنی اگر نوشته رسمی داشت اگر ثابت کرد مدلل کرد که نگرفته است آنوقت رعایتش را بکنید پس در مقصود شما چه فرقی می کند آن رعیت بیچاره یا مباشر یا صاحب جمع ابواب جمع دار هر کدام اگر نگرفته اند دولت نباید از شان مطالبه کند دولت که این کار را نمی کند . همینقدر وقتی که بر او مدلل شد این نگرفته است از او نباید جرم بگیرند زیرا

که در واقع این يك نوکری بوده است که او را فرستاده اند برود جائی پول بگیرد و نتوانسته است بگیرد حوادثی بوده که او قادر بوصول نبوده نمیگویم قادر بر دادن نباشد عرض میکنم اگر اثبات کرد بهر طوری که خودتان می فرمائید آنوقت ارزش بگیرند ما نگفتم که بروند یکی یکی افراد را حاضر کنند و از آنها بپرسند که مالیات را دادید یا نه ؟ خیر محاکمات مالیه که تمام دقایق را توجه می کند و در نظر میگیرد و باز هم اشکال میکند اگر بر شان ثابت شد که نگرفته است معافش کنند و از او نگیرند و اگر گرفته بوده است که ارزش بگیرند (صحیح است)

معاون وزارت مالیه - عرض کنم که این قضیه

اظهارش خیلی سهل و خوب بنظر میآید ولی عملش خیلی مشکل است اگر بخواهند مدلل کنند آنوقت تمام افراد و رعایایی که مالیات آنها ابواب جمع بوده است بزحمت می افتند (دشتی و رهنما - صحیح است) بجهت اینکه باید ثابت کنند که از این گرفته ام و از او نگرفته ام و این رسیدگی کردنش خیلی مشکل است ولی در ماده هشتم نوشته است که با ملاحظه وضعیت آنها وزارت مالیه مجاز باشد که در مواردی که دید باندازه جمع شان وصول نکرده اند و نتوانسته اند بگیرند و این را تصدیق کرد آنوقت با آنها مدارا بکنند و مساعدتی بکنند ولی اگر آنطوریکه می فرمائید عمل بشود برای رعایت ده نفر صاحب جمع تمام رعایا و ساکنین بلوکی که ابواب جمعی آنها بوده اند بزحمت خواهند افتاد (صحیح است)

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای افسر و آقای مؤید احمدی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد . ماده دوم قرائت میشود ماده دوم را از روی رایرت شور اول ملاحظه فرمائید برای اینکه فقط در شور دوم ماده اول اصلاح شده است : ماده دوم - مؤدیان بخیرند بقایای از سال ۱۳۰۲ باین

طرف املاک اربابی را تاسالی که ممیزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمولی سابق یا از مأخذ نتیجه ممیزی قانونی تصفیه نمایند.

روحی - بنده پیشنهادی عرض کرده بودم در ماده اول **رئیس** - برای اینکه ماده و پیشنهادات من حیث المجموع بکمسیون مبرود قرائت نشد و بکمسیون ارجاع شد در ماده دوم اشکالی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی میگیریم بماده دوم موافقین قیام فرمایند

(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود
ماده ۳ - بقایای جنسی هر سنه بنرخ متوسط سه ماهه خر من همان سنه مسعراً دریافت میشود و در صورتیکه نرخ مزبور از نرخی که کمسیون در تبدیل مالیات جنس بنقد تشخیص داده بیشتر باشد بنرخ مشخصه کمسیون تنزل داده خواهد شد و در تقاطعی که نرخ کمسیون از نظر احتیاج ارزاقی تعیین نشده باشد حد اکثر تسعیر نرخ آزاد متوسط پنجسال بدون آفت قبل از ۱۳۱۰ که کمسیون مطابق ترتیب منظور در قانون معین نماید خواهد بود.

رئیس - آقای بیات

مرتضی قلی خان بیات - این جا در این ماده بعقیده بنده يك عبارتی دارد که روشن نیست و اگر روشن شود بهتر است و آن راجع بنرخ متوسط سه ماهه سرخرمن است. این جا بطور کلی نوشته است و معلوم نیست که کدام سه ماه خواهد بود؟ در این جا نوشته شده است سه ماهه خرمن همان سنه از اول خرمن تا آخر خرمن يك مدت غیر معلومی است اینجا معلوم نیست بعد از برداشت خرمن است یا ابتدای خرمن است این است که بنده عقیده دارم آقای معاون وزارت مالیه اگر این قسمت را بر دارند و اسم سه برج را معین کنند که کدام است بهتر است تا اسباب اشکال و اختلاف نباشد **معاون وزارت مالیه** - مملکت ایران خیلی وسیع و بزرگ است و اغلب جاهایش گرم است و زودتر خرمن

بر داشته میشود و در بعضی جاها سرد است محصول دیرتر بر داشته میشود در جنوب زود و در شمال دیرتر خرمن را بر میدارند بنا بر این در قانون سه ماه مشخص و معینی را نمیشود نوشت و باید نوشت نرخ متوسط سه ماهه خرمن که هر ماهی بابکی از آب و هواهای نواحی مملکت تطبیق کند اختلاف و اشکالی هم ندارد (صحیح است) **رئیس** - يك پیشنهادی از آقای فهیمی رسیده است قرائت میشود:

بنده پیشنهاد می‌کنم جمله اول ماده ۳ بطریق ذیل نوشته شود.

ماده ۳ - بقایای جنسی هر سنه به نرخ متوسط سه ماهه خرمن همان سنه در محل مسعراً و در صورتیکه الخ **فهیمی** - اینجا بطور کلی نوشته شده است سه ماهه همان سنه و معلوم نیست در کجا در هر کز در محل در کجا؟ و این خیلی اسباب اختلاف حساب میشود. ولی اگر ما يك کلمه در محل علاوه کنیم مقصود آقایان تأمین میشود و هم نرخ معلوم میشود که نرخی که در کوهستان است مراد است یا نرخ جلگه و دشت. و اگر این قید شود نظر آقای بیات هم تأمین شده است و عبارت در محل جامع است چون نرخ محل های کوهپایه و اینها با جاهائی مثل اطراف طهران و اینجاها فرق دارد و اگر قید نشود اسباب اختلاف کار میشود ولی اگر قید بشود مطلب روشن میشود.

بیات - يك مرتبه دیگر قرائت شود.

بنده پیشنهاد میکنم جمله اول ماده ۳ بطریق ذیل نوشته شود.

ماده ۳ - بقایای جنسی هر سنه به نرخ متوسط سه ماهه خرمن همان سنه در محل مسعراً و در صورتیکه الخ **معاون وزارت مالیه** - این عبارت در محل مسعراً دریافت میشود اسباب زحمت مؤدی میشود بجهت اینکه اغلب مؤدیان مالیاتی می‌خواهند در مرکز مالیه در اداره مرکزی مالیه حسابشان را با مالیه تصفیه کنند و بدهند آنوقت اگر در محل نوشته شود باید بروند بمحلشان و این اسباب زحمت و اشکال است و باین شرحی که ما نوشتیم

گمان نمیکند اشکالی داشته باشد و این نرخ خود محل است.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای فهیمی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان برخاستند) قابل توجه شد. ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - بقایای مالیاتی املاک مخروبه و شکسته که کسر و شکست ملک مورد تصدیق وزارت مالیه واقع باشد از مأخذ مالیات نتیجه ممیزی قانونی تصفیه بقایای جنس این قبیل املاک بنرخ روز پرداخت مسعراً مأخوذ خواهد شد.

رئیس - اشکالی نیست (گفتند - خیر) رأی میگیریم بماده چهارم آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود

ماده ۵ - بقایای مالیاتی در هر سنه معادل يك برابر مالیات جاری همان سال از قرار اقساط مقرر در قانون متمم ممیزی وصول میشود و از حیث جرائم تأخیر تابع مقررات قانون مزبور خواهد بود.

طریقه وصول بقایا از مستنکفیت بر طبق مقرراتی خواهد بود که قانون متمم ممیزی برای وصول مالیات جاری مقرر داشته است.

رئیس - موافقین با ماده ۵ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۶:

ماده ۶ - مالکین خالصجات انتقالی مکلفند بقایای سنواتی و املاک خالصه انتقالی را از سال ۱۳۰۲ لغایت ۱۳۰۶ بقرار جمع معمولی سابق یا صدی پنجاه عایدات خالص مالکانه که در نتیجه ممیزی قانونی تشخیص داده شده بپردازند و اقساط بقایا در هر سال معادل صدی پنجاه عایدات خالص مالکانه اخذ میشود و املاک مزبور از سنه ۱۳۰۷ ببعده تابع مقررات قانون خالصجات انتقالی مصوب ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ و قانون متمم آن مصوب ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ خواهد بود و مأخذ تسعیر

بقایای جنسی خالصجات انتقالی در قسمت املاک کسر و شکست دار مطابق ماده ۴ و در غیر آن بر طبق ماده ۳ خواهد بود
رئیس - آقای روحی

روحی - عرض میکنم بنده بنظرم يك اشکالی میرسد بالنسبه به بقایائی که از خالصجات انتقالی باقی میماند میگویند یا مطابق مالیاتهای سابق میگیرند یا صدی پنجاه بالاخره این بسته است بنظر مالیه و عقیده بنده این است که باید بنظر مالک باشد که یا او را قبول کند یا این را و الا اگر اینطور باشد این باعث میشود که مأمورین مالیه هر کجا میل داشتند مالیات سابق را بگیرند و هر کجا که میل نداشتند بگویند صدی پنجاه بدهند و این تبعیض بعقیده بنده معنی ندارد و عادلانه همان صدی پنجاه است و قسمت اول چنانچه حذف شود بهتر است

معاون وزارت مالیه - اینکه آقا فرمودند در موافقی است که مالیات زیاد باشد یعنی مؤدی مالیات از عهده پرداخت بقایایش بر نیاید آنوقت بسیار خوبست ولی بر عکس هم هست اغلب جاها است که مالیات جزء جمعی را هم مالکین میخواهند ندهند یعنی نصفه عایداتش خیلی بیش از مالیات جزو جمعش می شود و اینطور که آقا میفرمایند ممکن است قبول کنیم ولی کاملاً بضرر مردم تمام میشود و چون در این ماده يك نظر دیگری هم هست که حالا چون یکی دو ماده بکمسیون برگشته تقاضا میکنم این ماده هم بکمسیون برگردد که نسبت به بقایائی هم که قبل از ۱۳۰۶ هست يك نظری بوده است که این قسمت هم در همانجا حل شود

رئیس - (خطاب با آقای مخبر) شما باید تقاضا کنید

مخبر - بنده هم تقاضا میکنم که ماده ۶ بکمسیون مراجعه شود

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده را هم میفرستیم بکمسیون. ماده هفت قرائت میشود:

ماده ۷ - بقایای مالیاتی (اعم از اربابی و خالصه

انتقالی) املاکی که بعد از تصویب این قانون نقل و انتقال می شود از عایدات مالکانه دریافت خواهد شد ولی بقایای املاکی که قبل از این قانون نقل و انتقال شده باشد بر عهده مالکی خواهد بود که در موقع خود مالیات را پرداخته است.

رئیس - آقای بیات

بیات - بنده در این ماده عرضی ندارم

رئیس - رأی میگیریم به ماده هفت آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشت.

ماده ۸ - بقایای سنواتی افراد ایل تا آخر ۱۳۰۱ بتخفیف منظور خواهد شد نسبت به بقایای از سنه ۱۳۰۲ به بعد ایلات و همچنین نسبت به بدهی صاحبجمعان ایلات و املاک اعم از بقایای قبل یا بعد از ۱۳۰۲ وزارت مالیه مجاز است با ملاحظه وضعیت افراد ایل و صاحب جمعان رعایت مقتضی را از حیث اعطاء تخفیف و امهال بعمل آورده محاسبه سنواتی را تصفیه نمایند.

رئیس - آقای دیبا

دیبا - سابقاً که این لایحه در کمیسیون مطرح بود و آقای وزیر هم تشریف داشتند راجع بمالیات ایلات بنده عرض کردم بعضی از ایلات هستند که تخت قاپو شده اند و میشوند مالیه فعلاً هم از آنها مالیات ملکی میخواهد و هم مالیات ایلی و بالاخره قرار بود که يك اصلاحی در کمیسیون بشود حالا می بینم که اصلاح نشده بنده عقیده ام این است ایلاتی که آمده اند و تخت قاپو شده اند باید از مالیات ایلی معاف باشند و در اینجا هم تصریح باید بشود

معاون وزارت مالیه - افراد ایل که تخت قاپو میشوند از تاریخی که تخت قاپو میشوند از پرداخت مالیات ایلی معاف هستند مگر در صورتیکه سرمایه ایلی شان

مالیات خودشانرا پرداخته اند معاف کرده ایم آنوقت خیلی بر خلاف منطق است که مؤدی مالیات معاف بشود ولی صاحب جمع که مأمور جمع آوری مالیات بوده است معاف نشود بعقیده بنده خوبست این نظر هم تأمین شود چون در ماده ۸ مینویسد اعطای تخفیف بنده عرض میکنم که اعطای تخفیف کافی نخواهد بود مقتضی است نسبت باینهاهم ارفاق کنید و مساعدت کنید بنابراین بعد از اعطای تخفیف باید نوشته شود و معافیت و قطعاً خودتانهم همین نظر را دارید ولی این توضیح برای اینکه خود وزارت مالیه در موقع عمل دچار اشکال نشود البته لازم است

معاون وزارت مالیه (آقای سیاح) - در قسمت اول که فرمودند بطوریکه عرض کردم از ایلاتیکه تخت قاپو شده و میشوند مالیات ایلی گرفته نمیشود حالا اگر يك مواردی داشته است که درست اقدام نشده مراجعه کنند و البته رفع مزاحمت از آنها خواهد شد اما در قسمت دوم که میفرمایند بعد از اعطای تخفیف نوشته شود (معافیت) بنده بطور مثل میخواهم عرض کنم يك کسی پنجهزار تومان بدهکار بوده است چهار هزار و هفتصد تومان باقی مانده است و اختلافی دارد با وزارت مالیه که میگوید پنجهزار تومان نگرفته ام و چهار هزار و هفتصد تومان گرفته ام آنوقت اگر ما بخواهیم بطور کلی معافیت را هم قائل بشویم بایستی از آن چهار هزار و هفتصد تومانی را هم که تحویلش است صرف نظر کنیم و تمامش از بین برود (دستی - صحیح است)

رئیس - آقای افسر
افسر - اینکه قانون راجع به تخت قاپو گذشت مقصود فقط برای يك ایل مخصوص نبود بلکه مقصود این بود که ایلات چه باید بکنند ایلات باید بیایند و آب و خاک پیدا کنند ملک پیدا کنند که از تمدن دوره تقنینیه بچه ها شان را بمکتب بفرستند و غیر تمدن بار نیابند که يك وقتی اشرار بتوانند آنها را با خودشان مساعد کنند مقصود اینها بود مقصود این نبود که پانصد گوسفند و بز و یا ده تا شتر نداشته باشند

حالا برای این اختلافی که در وزارت مالیه پیش آمده مخصوصاً تحصیلدارها و مأمورین وزارت مالیه و آتھائی که تحصیلدار کوچک هستند و قانون را درست نمیفهمند و اطلاع ندارند حالا مقصود آقای احتشام زاده این بود که آقای معاون يك توضیحی بدهند که رفع اختلاف بشود که کدام را تخت قاپو میشناسید یعنی آنها که در ده هستند آنها را به تخت قاپو می شناسید یا نه؟ برای حل این قضیه تمنا میکنم يك توضیحی بدهید که رفع اختلاف بشود

معاون وزارت مالیه - هر توضیحی را که بنده بخواهم در اینجا عرض کنم باز ممکن است که اسباب اختلاف تازه بشود این است که این قسمت را ممکن است در خارج با آقایان نمایندگان مذاکره کنیم و حل کنیم برای اینکه ممکن است در پنجاه فرسخ فاصله یاسد فرسخ فاصله افراد يك طایفه دو باغ و ملک هم دارند ولی زمستان بروند در جنوب و تابستان هم بیایند در شمال و در آنجا هم چند دستگاهی داشته باشند آنوقت ما اسم اینرا چه بگذاریم شصت فرسخ راه هفتاد فرسخ راه بیلاق و قشلاق میکنند این است که بنده از آقایان تقاضا میکنم که این موضوع را بگذارند در خارج مذاکره کنیم تا رفع اشکال بشود.

رئیس - یعنی میفرمائید ماده هشت بماند
معاون وزارت مالیه - نخیر عرض میکنم البته ایلاتی که تخت قاپو شده اند که بموجب قانون معاف هستند حالا در بعضی موارد تصور میکنند که مالیه درست قانونرا اجرا نکرده است بما تذکر بدهند اگر واقعاً درست اجرا نشده مذاکره میکنیم و اصلاح میکنیم ولی مربوط باین ماده نباشد

رئیس - پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسیده است: تبصره - افراد هر ایلی که تخت قاپو شده باشند از تأدیه مالیات ایلی معاف و در مالیات مشمول مقررات عمومی خواهند بود.

شریعت زاده - اساساً این پیشنهاد را برای بیان توضیحی عرض کردم که بدولت این مطلب تذکر داده شود که اگر از افراد ایل کسانی که تخت قاپو شده باشند

دیگر حق ندارند بعنوان اینکه احشام و اغنام دارند مالیات بگیرند و اگر آقای معاون وزات مالیه موافق باشند بد هم نیست که این پیشنهاد تصویب شود و این يك تشویقی است که اهمیتی هم ندارد برای اینکه افراد ایلی که تخت قاپو شده اند دیگر مالیات ایلی ندارند و مالیات ارضی میدهند قانون هم در این موضوع تصویب شده و حالا هم مجرا است متأسفانه در بعضی موارد اجرا نمیشود این بود که تقاضا کردند این را در خارج مذاکره کنیم و يك ذکری در این خصوص بشود والا قانون در این موضوع وضع شده و در این قانون مکرر میشود.

رئیس - به پیشنهاد آقای شریعت زاده رأی بگیریم یا مسترد میدارند.

شریعت زاده - مسترد میکنم

رئیس - آقای احتشامزاده هم شبیه آنرا پیشنهاد کرده اند و پیشنهاد دیگری هم کرده اند

پیشنهاد آقای احتشامزاده

پیشنهاد میکنم که این ماده هم بکمسیون ارجاع شود **رئیس** - عرض کنم که ارجاع بکمسیون بمحض پیشنهاد بکنفر نماینده نمیشود اگر مخبر تقاضا کنند میشود آقای احتشام زاده پیشنهاد شما را بخوائیم

احتشامزاده - بله بله

پیشنهاد آقای احتشامزاده

افراد ایلات که تخت قاپو شده اند یا میشوند از تأدیبه مالیات ایلی و مالیات اغنام احشام معافند - طباطبائی دیبا احتشام زاده.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشامزاده - بنده تصور میکنم در قانون سابق که گذشت تکلیف مالیات ایلات و اغنام و احشام معین شده باشد ولی متأسفانه در عمل آنطوری که منظور قانون بوده مأمورین مالیه عمل نمیکند و راجع به تخت قاپو تعییرات مختلفی می کنند که هیچ مطابق با قانون نیست چطور تعبیر میکنند؟ مأمورین مالیه میگویند تخت قاپو

به بیلاق میفرستند و از شان هم مالیات ایلی گرفته نمیشود اما افرادی هستند که چنانچه عرض کردم اگر سرمایه ایلی خود را از دست نداده باشند يك طائفه بایستی پنجاه هزار تومان مالیات اغنام و احشام بدهند و اینها اسم خودشان را بگذارند که تخت قاپو شده اند یعنی پنجاه من زمین گندم زراعت میکنم و دومن هم گندم بدولت مالیات میدهم بنابراین مالیات ایلی نباید بدهم این را که نمیشود قبول کرد انوقت در موقع تابستان هم برود در دویت فرسخ فاصله بیلاق و قشلاق کند عرض کردم ممکن است در خارج آقایان آن موارد بخصوص که تصور میکنند اجرا نمیشود تذکر بدهند و اگر يك موردی هست که حقیقه قانون بطوریکه باید مجرا شود نشده ما اصلاح میکنیم حالا يك قانون دیگری وضع کنیم برای نایب قانون اولیه این حقیقه خوب نیست.

رئیس - (خطاب با آقای احتشامزاده) استرداد میفرمائید **احتشامزاده** - منظور بنده و آقای دیبا این بود که يك قانونیکه گذشته تأیید کنیم بلکه منظور این بود که قسمتی را که راجع به تخت قاپو مأمورین مالیه تعبیر میکنند توضیح شده باشد ولی حالا که آقا قبول فرمودند که در این موضوع توجهی نکنند و اگر چنانچه محتاج بتوضیحی باشد لایحه بیاورند البته مسترد میکنم.

دیبا - بنده هم استرداد میکنم.

رئیس - موافقین با ماده ۸ قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هم قرائت میشود:

ماده ۹ - وزارت مالیه مجاز است بقایای ستواتی اشخاصی را که در مقابل بدهی خود دعوی مطالباتی از دولت دارند پس از رسیدگی و تصدیق صحت آن مبادل مطالبات آنها از بدهی که دارند کسر و بقیه را بارعایت مواد این قانون وصول و محاسبه آنها را تصفیه نماید.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض میکنم این قسمت باز مورد اشکال

است همینطور که در قسمت ۳ از ماده اول بود اختلاف میشود بین وزارت مالیه و يك مؤدی مالیات مالیه میگوید طلبکارم او میگوید خیر بده کار نیستم بنده عقیده ام این است که يك مرجعی را باید معین کرد که آن مرجع رسیدگی کند بنده در آن قسمت تبصره هم پیشنهاد کردم و آن قسمت بکمسیون رفت بایستی لا اقل ما حکمیت محاکمات مالیه را قبول کنیم که اگر يك موردی ما به الا اختلاف شده مرجع اداره مالیه محل نباشد و لا اقل در محاکمات مالیه این اختلاف حل شود و این قانون يك محلی را برای اینکار معین نکرده و رعایت حقوق يك قسمت از افراد را نکرده اند و موقع اشکال را هیچ بنظر نیآورده اند این طرز خوبی نیست

معاون وزارت مالیه - عرض میکنم که بقایائی که هست و ایشان تذکر دادند ممکن است صاحبان جمع که دارند آن بقایا هستند يك مطالباتی اظهار بکنند و اسناد و مدارکی هم داشته باشند این اسباب سوء تفاهم نشود آنطوریکه شما فرمودید نیست اسناد و مدارکی دارند و خرجهایی کرده اند و با اجازه دولت هم بوده است ولی در بودجه نبوده است البته نمیتوان حساب آنها را پرداخت و البته بایستی بقایا را هم وصول کرد یعنی این قبیل بقایا را ما برای تسهیل باینکه بتوانیم باقی را وصول کنیم اینطور در نظر گرفتیم که ان اسناد صحیحشان را قبول کنیم و اگر چیزی باقی باشد بگیریم و اینطور نیست که محتاج محاکمه باشد

رئیس - يك یادآوری برای همیشه باید همدا آقایان بکنم آقایان نند نویسهام بکنند که صورت مذاکرات جلسات را طابق النعل بالنعل بنویسند و ابدأ آنها را معذرت نمیتوان دانست که کلمه را عوض کلمه دیگر بنویسند حالا اگر یکی از آقایان در موقع تقریر رویش را بطرف معکوس آقایان بکنند تمام کلمات ازین میرود و سقط میشود (صحیح است) و آنها هم مؤلیت خودشان را در مقابل بنده نمیتوانند ایفاء کنند یادآوری میکنم که آقایان هر

وقت خطاب میکنند صدایشان و مواجه شان بطرفی باشد که آقایان تند نویسان نشسته اند (صحیح است)

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - بنده مقصودم این بود که آقای روحی يك فرمایشی کردند که اینجا بطور کلی نقض غرض میشود در صورتیکه این ماده بِنفع مردم است و بهمین صورتی که نوشته شده خوبست و همینطور که آقای معاون هم توضیح دادند این قسمت هیچ عاقله و این چیزها را لازم ندارد این برای اشخاصی است که يك نوع پرداخت و يك نوع مخارجی کرده اند از قبیل اینکه مثلاً فرض بفرمائید يك حاکمی در يك جائی جشن قانونی گرفته است اجازه هم داشته است ولی بودجه برای اینکار در آن سال منظور نشده يك بقایای مالیاتی هم بده دارد حالا بموجب این ماده وزارت مالیه مجاز خواهد بود آن طلبها را در مقابل بدهی مالیاتی محسوب دارد و این را اگر هرطوری بخواهد تغییرش بدهید نقض غرض میشود و خود ماده پیشنهادی کمیسیون کافی است

(عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - موافقین با ماده هم قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم:

ماده دهم - چنانچه در نتیجه اجرای این قانون مالیات جزء جمعی و منال خالصگی در پاره موارد از مأخذ بدهی بعضی از سنوات مربوطه تنزل نماید پرداختی مؤدبان در سنوات مذکوره بیش از این مأخذ بوده ولی از مالیات و منال جزء جمعی سابق تجاوز نماید محاسبه آن خاتمه یافته محسوب خواهد شد

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - این ماده ده همان ماده ایست در شور اول هم بنده از آقای مخبر خواهش کردم که آن را برای بنده ترجمه و تفسیر کنند بجهت اینکه این عبارت فارسی نیست بعد خود ایشان از من تقاضا کردند که آن را فارسی کنم ولی هرچه بنده خواندم چیزی نفهمیدیم و نمیدانم مقصود از

تومان رد کنید آنرا دیگر باو نمیدهید مشروط بر اینکه جزء جمع سابقش هم از هزار و دوست تومان بیشتر نباشد. اگر بیشتر هم باشد تکلیف او را معین نکرده که چه باید بکند در هر حال هر مقصودی هم از این عبارت دارید تصدیق بفرمائید این عبارت معلوم نمیکند که موضوع چیست و مقصود از این ماده کس نوشته شده برای چه منظوری است؟ حالا استدعا میکنم با آقای مخبر یا آقای معاون و اربت مالیه مطلب را توضیح بفرمایند و بعد هم عبارت را طوری بنویسند که واضح باشد که معلوم شود چه چیز است زیرا بنده از هر کدام از آقایان که پرسیدم نتوانستند توضیح بدهند.

معاون وزارت مالیه - ممکن است عبارت همینطوری که میفرمایند بگذرد مشکل باشد متوجه شدن به آن ولی مقصود این است که ممکن است يك شخصی چندین فقره ملك داشته باشد مطابق این قانون راجع بشمار این املاك هم بقایایی داشته باشد که مالیه میخراند حسابش را رسیدگی کنند در یکی از این ملكها که باید مالیات بپردازد مطابق این قانون که حالا گذاشته میشود يك تخفیفاتی برای آن قائل می شویم و قتیکه حساب میکنیم يك مقداری جنس يك مقداری نقد از آن ارفاقی که در این قانون شده زیاد تر پرداخته یعنی ما مأخذ جزء جمع قدیمش زیاد تر پرداخته ولی نظریه ارفاقی که در این قانون شده است میگوید من بجهت تومان ده تومان بیشتر از این ارفاق پرداخته ام آنرا ما دیگر طرف توجه قرار نمیدهیم که بگوئیم این پنج تومانی که شما نسبت بارفاقی که در این قانون شده زیادتر داده اید از بابت مالیات جای دیگر حساب کنیم. همینقدر که تجاوز نکرد از مالیاتی که می بایستی قانوناً بپردازد آن را پرداخته شده حساب کنید و داخل مباحثه اش نشوید ولی البته اگر از میزانی که باید پرداخته شود یعنی از میزان جزء جمعی سابق هم زیادتر داده البته حالا هم باو داده می شود و باید هم باو داده شود مقصود عبارت این است و ممکن است عبارت اصلاح شود.

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - بنده هم موافق هستم و نظرم این بود که البته این عبارت باید اصلاح شود.

رئیس - آقای افسر

افسر - بالاخره با این مستوجب تخفیف بوده یا نبوده اگر مستوجب تخفیف نبوده که هرگز نخواهد داد و اگر مستوجب تخفیف بوده چه فرقی میکند که حالا این را ارزش نگیرند یا اگر داده است باو پس بدهند. اگر مستوجب تخفیف بوده و زیادی داده برای چه باو پس نمیدهند؟ چرا؟ اگر مستوجب تخفیف است تخفیف بدهید و الا ندهید. لکن چون اینجا بیست تومان تخفیف میدهید آنجا ممکن است هزار تومان زیادتر داده باشد باو پس ندهید چرا؟ این معادله که صحیح نیست؟! بالاخره این معادله سه مجهولی است که با جبر و مقابله سه درجه هم نمی توانیم حل کنیم بقول آقای فهیم الملك بچه مناسبت اگر زیادتر داده حساب نکنند این عبارت بکلی معادله ندارد. خلاصه اش میگوید که اگر زیادی داده نگیرد. عرض کردم ممکن است تخفیف پنجاه تومان باشد زیادی پنجاه تومان. نمی دانم آقای مخبر چه جور این عبارت را درست کرده اند تا در حساب درست بیاید.

مخبر - اولاً توضیحاتی که آقای معاون دادند گمان میکنم طوری بود که دیگر محتاج نباشد که صحبتی بشود. این ماده می گوید اگر مالیات جزء جمعی قانونی سابقش يك مبلغ معینی بوده برطبق آن مالیات جزء جمع قانونی فرض کنید این صد تومان مدیون است لکن ما این قانون را که اجرا کنیم و این تخفیفاتی که در این قانون منظور شده است این را شامل حالش کنیم می بینیم مدیون نیست یعنی فرضاً قتیکه تا پنجاه تومان تخفیف باو داده ایم این تخفیف را با بدهیش مطابق کنیم می بینیم اگر سابقاً که این قانون وضع نشده بود و تخفیف بهش نمی دادند این آدم طلبکار نبود و يك مقدار بهم بایستی بدهد ولی این قانون را که ما امروز وضع میکنیم و آن شخصی که برطبق ترتیبات سابق

مدیون بوده است حالا برطبق این قانون دیگر مدیون نیست و يك مباهی هم طلب دارد میگویند از آنقدراری که طلب کار شده در اثر دادن تخفیفات باید صرف نظر کند اما از دینی که مطابق قانون سابق داشته است برای چه صرف نظر کنیم؟

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - از توضیحات آقای معاون وزارت مالیه معلوم شد که مقصود چیست این مقصود در ظاهر موجه بنظر می آید ولی بنظر بنده صحیح نیست زیرا اگر دولت نظرش بوجود دلائل و عبارات آخری نظر بمنطقی لازم میدانسته است تخفیف داده شود این مناط قبلاً هم وجود داشته و بعد هم وجود خواهد داشت بنا بر این هیچ دلیلی ندارد که امروز که معین می شود این آدم ملکی که داشته است و بقایای داشته و يك قسمت از بقایا را هم پرداخته و قانون فعلی هم میگوید بقایای مالیاتی تصفیه نشده هم مشمول این است پس مطابق انصاف باید مطابق مناطی که در این قانون منظور شده اگر معلوم شود پس از منظور داشتن تخفیفات اضافه داده است باید بهش داده شود اما بنظر بنده بهتر این است که ما با همین طرزى که نوشته شده موافقت کنیم و از تقطه نظر فلسفه و استدلال مناقشات و چیزهائی اتخاذ نکنیم يك کسی که مالیات را داده است اگر حالا زیادتر از جزو جمع باشد که خود دولت اصلاح میکند و اگر کمتر از جزء جمع شد باز ارفاقی نسبت به او شده و با او مساعدتی شده است لزومی ندارد ماده را تغییر بدهیم. و بهمین طریق که نوشته شده است باقی بماند بنظر بنده بهتر است.

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - گمان میکنم ماده مذکور است بیک عبارت بهتری نوشته شود که رفع اشکال آقایان هم بشود همانطوری که آقای معاون وزارت مالیه فرمودند این ماده مربوط است باشخاصی که چند ملك دارند ولی این عبارت بنده خیال میکنم در کمیسیون باید اصلاح بشود و واضحتر بشود در هر حال بنده این حق را ندارم که تقاضا کنم به

ولی اگر زارع خود دولت باشد و هنوز هم در ملك خود دولت باشد آن را معاف میکنند ولی اگر برای خودش یا یکی از افراد مردم زراعت کند چرا او را معاف نمایند این معنی ندارد. در اینجا مقصود زارعینی است که در خالصه دولت زراعت کرده و میکنند نه آن اشخاصی که خارج شده اند و رفته اند در ملك دیگری زراعت میکنند البته اگر دولت طلبی از آنها دارد باید ازشان بگیرد. (صحیح است)

رئیس - آقای افسر

افسر - کلیه این لایحه که از طرف وزارت مالیه تهیه شده است یکی از قوانین بسیار خوبی است که موجبات آسایش مردم را فراهم میکند و واقعاً اسباب خوشوقتی است و از اول تا آخر آن دو چیز منظور بوده اول آسایش مردم و دوم ختم محاسبات معوقه و بقایا ملاحظه فرمائید رعایا در مملکت ما مثل بعضی از ممالک نیستند که در قدیم بالای ملك خرید و فروش می شدند و رعیت سر ملك بود. رعیت من و شما و خالصه اینها همه يك مثالی است که اگر استعمال شود مجازی است (صحیح است) یعنی اگر يك رعیتی دولت داشته است در ملك خالصه و رفته است در ملك دیگری دوباره فرستاده است او را بیاورد به ملكش و اتفاقاً اگر در نقاط دور دست نسبت بیک رعیتی يك کاری کرده باشند در زمانی که ایلخانی گری معمول بوده یا حکومت های جزء يك حرکت از این قبیل کرده باشند آن بقدری مستهجن است که توبیخ داشته است. لکن حالا رعایا مختار هستند میخواهند در خالصه یا در جای دیگر بمانند البته این منظوری که فرمودند اگر رعیت خالصه است ارفاق بشود اگر نیست خیر بنده ملتفت شدم و البته مطابق مقصودشان نوشته اند ولی بنده تقاضا میکنم يك بیچاره که هفت سال هشت سال ده سال در ملك خالصه زراعت کرده و صد تومان باقی آورده و حالا يك سال رفته است در جای دیگر رعیتی کرده این را دیگر متعرض نشوند او متضرر شده نداشته است بدهد آفت دیده است آزار هم از دفاتر حذف کنند -

یکی دیگر این که در ماده می نویسد کلیه بدهی زارعین که ساکن بوده و در خالصه مشغول زراعت هستند این لفظ (هستند) معنایش این است که الا آن بایستی باشند اگر رعیتی نیست و پنجسال عمرش را در خالصه صرف کرده است و الا آن نیست بدهی داشته و رفته نداشته است بدهد حالا چطور باید ارزش گرفت؛ و این هم فراموش نشود که این منحصر نیست و تمام اشخاصی که مالك هستند این گرفتاری را دارند که پول میدهند بزارعین مساعده میدهند بدهم زارعین بواسطه آفات و بی بودن از بین میروند (صحیح است) و هرگز آن را اینها تعقیب نمیکنند هر اربابی را که پرسید هر مالکی را که پرسید سالی يك مبلغی از این ضررها بقدر عشر و خمس عایدیش از دست رعایا و زارعین دارد (صحیح است) بعد جائی دیگر که رفت دیگر تعقیبش نمیکنند برای اینکه ندارد ملاحظه فرمائید این دیگر نمی رود در عدلیه یا صلحیه شکایت کند شما هر چه تفحص کنید در محاکم پنجاه فقره پیدا نمیکید که يك اربابی از دست رعیتش شکایت کرده باشد که بیست سال مساعده داده ام خورده است اینها هم جزء سایر مخارج ملکی است و دولت هم هیچ امتیازی در این موضوع برای خودش نباید قائل شود بهتر این است این موافقت را فرمائید و البته غالباً هم ندارند. این يك زحمت بی جهتی است هر جائی که برود پیدایش کند پیدایش نمیکند اگر هم پیدایش کنند رعیتی که صد تومان پنجاه تومان مساعده گرفته و حالا ندارد رفته است صد فرسخ پنجاه فرسخ شصت فرسخ متوازی شده در فلان جا تریاک میگیرد یا کتیرا میگیرد از او چه چیز میگیرند؟ پس خوبست مثل سایر مالکین دولت هم این قسمت هارا هم مثل سایر مخارج ملکی و سایر آفات فرض کند و این رعایت را در باره رعایای خالصه چه آنهایی که فعلاً ساکن هستند و چه آنهایی که قبلاً بوده اند فرمائید و محاسبه را هم ختم کنید و البته بزحمت و ضررش نمی آرد. همانطوری که آقای محیط و سایر همکاران بنده توضیح دادند گمان میکنم این آخرین موافقتی است که وزارت مالیه می فرماید و این قانون

هم بهترین قانونی است که در این دوره گذشته و باین قسمت هم مثل سایر قسمت‌ها که همه اینها مساعدت با مردم است موافقت فرمائید و البته نباید دولت از قطعه نظر وصول مالیات ضروری داشته باشد ولی مصلحت این است و همچو اقتضا کرده است که نسبت به بقایای گذشته و نسبت برعایائی که میدانند ندارند این مصلحت را اجراء کند و ما هم کمال خوشوقتی را حاصل میکنیم (صحیح است) و این هم بهترین قانونی است که در این دوره گذشته و میگذرد.

بعضی از نمایندگان - کافی است.

معاون وزارت مالیه - مقصود از این ماده همین بوده است که رعایت رعایای خالصه بشود و این نظری که آقا دارند که بطور کلی این عمل بشود این مقدور نیست و هر اندازه که ممکن بوده است خود دولت ارفاق کرده است اگر يك موردی هم پیدا شود که باز باید با آنها مساعدت بشود همینطور که میفرمائید البته آنوقت باز پیشنهاد خواهد شد و اینکه همه اش ارفاق بشود ملاحظه فرمائید باید هر چه از رعایا میخواهد صرف نظر بکند پس پیش از این اندازه برای رعایای خالصه ارفاق ممکن نیست.

رئیس - آقای فاطمی فرمایشی دارید

فاطمی - خیر

(بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادی از آقای دهستانی رسیده است قرائت می شود:

پیشنهاد آقای دهستانی:

بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۱۱ بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده ۱۱ - کلیه بدهی زارعین خالصجات دولتی که در دهات خالصه مشغول زراعت بوده و یا هستند که مربوط بطلب و معاملات قبل از سنه ۱۳۰۵ دولت باشد از بذر و مساعده و مال الاجاره ها نقداً و جنساً معاف خواهد بود الی آخر.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای دهستانی قرائت میشود:

پیشنهاد دیگر آقای دهستانی:

مقام منبع ریاست معظم مجلس شورای... پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ بعد از جمله بذر و مساعده و مال الاجاره اضافه شود و غیره.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کنم اولاً این که تمام آقایان مالک هستند (یکی از نمایندگان - آقا بلندتر - نمی شنویم) بلی عرض کنم که اینجا در ماده ۱۱ نوشته است کلیه بدهی زارعین و رعایای خالصجات دولتی که در دهات خالصه ساکن بوده و مشغول زراعت هستند.

بسا اشخاصی که الآن مشغول زراعت هستند و ای بسا اشخاصی که نیستند پس تبعیضی برای آنها نباید قائل شد. دوم بسا اشخاصی که رعیت خالصه بوده و در ده خالصه هم ساکن بوده و در اثر معاملات خالصه از هستی ساقط شده و در حال سرگردانی است و دفتر دولت راهم نباید در همچو موقعی معطل کرد (صحیح است) وقتی بطور وضوح در لایحه نوشته می شود که ساکن هستند و مشغول زراعت هستند البته این معلوم می شود و تصدیق می فرمائید که این اشخاص کمند و اما اینکه عرض کردم که کلمه و غیره در قسمت آخر مال الاجاره اضافه شود مقصود بنده این بود زیرا اینجا دو قسمت است بطور کلی مستأجرین یکی متمول است و یکی بی بضاعت آن کسی که متمول است و يك لقمه نان دارد آنها اجاره شان را میدهند بعضی اوقات به آنها مساعده هم میدهند و تمام اینها مأمورین دولت حسابشان را گرفته اند و بعضی هاشان اصلاً بدهی ندارند اما آن کسانی که بی بضاعتند مساعده شان فقط آن چیزهایی است که در نه انبار بوسیده و مانده و هیچ خریدار نداشته آنها هم احتیاج داشته اند و بهر قیمت مأمورین مالیه به آنها تحمیل کرده اند قبول کرده اند و سند عندالمطالبه گرفته اند مثلاً ملاحظه فرمائید یکفر گاو شمرده است گاو خریده اند به او داده اند بعنوان قیمت گاو این فردا اسباب اشکال خواهد شد چون اینجا نوشته شده است بعنوان مساعده و حال اینکه اینجا چندین صیغه

است صیغه مساعده جنس مساعده قدی گاو و امثال اینها است و هستند رعایائی که هر کدام يك صیغه از این صیغ خیل بده کار هستند در صورتیکه اگر این لفظ و غیره را اضافه بکنیم رفع تمام این اشکالات می شود و تمام موارد بده کاری آنها را میگیرد در صورتیکه ماده يك کلمه را نوشته و سایر موارد را شامل نخواهد شد بعلاوه يك چیز دیگری خدمتان عرض کنم اینکه نوشته ام مربوط بمعاملات قبل از سنه ۱۳۰۵ باشد موضوعش این است که قسمت خالصه مثل قسمت مالیاتی نیست یعنی همه ساله مالیات اشخاص بجای خودش باقی می ماند بدهی خالصه وقتی که سال منقضی شد آن را تجدید میکنند و میگذارند در قرار داد سال بعد و همینطور سال بسال تجدید می شود و بدهی های سال قبل بسال بعد اضافه می شود و اگر قسمت آخر پیشنهاد بنده منظور شود رعایت کلی از رعایا خواهد شد و الا باین ترتیب که ماده تنظیم شده هیچ رعایتی نمی شود

معاون وزارت مالیه - تصدیق فرمائید که گذاشتن لفظ و غیره در قانون خیلی اسباب زحمت و اشکال خواهد شد برای اینکه نمی شود از حالا تمام آن موارد را پیش بینی کرد و با اضافه این و غیره می توانند هر گونه مطالباتی را داخل کنند بذر و مساعده و مال الاجاره و نقد و جنس و همه اینها پیش بینی کردنش مشکل است و بایستی در عمل متوجه بود و دید چگونه معاملات بین رعایای خالصه هست و اگر میخواهیم همه اینها را معاف بکنیم که نمی شود و این لفظ و غیره اسباب زحمت می شود.

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد اول آقای دهستانی یکمرتبه دیگر قرائت می شود:

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۱۱ بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده ۱۱ - کلیه بدهی زارعین خالصجات دولتی که در دهات خالصه مشغول زراعت بوده و یا هستند که مربوط

بطلب و معاملات قبل از ۱۳۰۵ دولت باشد از بذر و مساعده و مال الاجاره ها نقداً و جنساً معاف خواهد بود الی آخر.

رئیس - آقایانی که با این پیشنهاد بوضعی که قرائت شد موافقت قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. این ماده هم میبرد بکمیسیون ماده الحاقیه را هم قرائت میکنیم و بکمیسیون می فرستیم:

مقام محترم ریاست مجلس دامت شوکه ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می نمایم:

ماده الحاقیه - بقایای مالیاتی مستغلات و باغات و طواحین نیز مشمول این قانون خواهد بود. طباطبائی دیا **طباطبائی دیا** - این لایحه تماماً مربوط است به بقایای مالیاتی املاک و هیچ نظری به مستغلات و باغات و طواحین ندارد این است که این پیشنهاد را بنده تقدیم کردم (صحیح است) و گمان نمیکنم مخالفی هم داشته باشد.

مخبر - بنده موافقت دارم

رئیس - ولی رأی ان را باسم ماده الحاقیه اگر بگذاریم حالا نمی توانیم بگیریم

دشتی - چرا

طباطبائی دیا - اجازه میفرمائید

رئیس - فرمائید

طباطبائی دیا - ماده الحاقیه همان حال اصلاح را دارد باید رأی گرفته شود اگر قابل توجه شد می رود بکمیسیون.

رئیس - اشکال بنده اشکال ادبی بود چون هنوز مواد اصلی لایحه تنظیم نشده است الحاق مواد به آن صورتی ندارد. اگر موافقت فرمائید این را هم بکمیسیون بفرستیم (نمایندگان - صحیح است) و البته باید انتظار وصول خبر کمیسیون را داشته باشیم. بنابراین با انتظار وصول خبر ثانوی کمیسیون نسبت باین لایحه جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

[۴ - اقتراع برای شرفیابی بمناسبت روز مولود حضرت حجة (ع)]

رئیس - فردا مصادف است با روز تولد حضرت حجة عجل الله تعالی فرجه و باید اقتراع کنیم. برای شرفیابی حضور اعلی حضرت همایونی (صحیح است)
 (اقتراع بعمل آمده و نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)
 آقایان : مولوی - دکتر ملک زاده - دکتر سنگ
 دکتر عطاء الله خان سمیعی - احتشام زاده - رهنما
 معتمدی - آقا سید کاظم یزدی - مسعود ثابتی -
 مسعودی خراسانی - اسکندری - رهبری .

[۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - بکفداری تامل بفرمائید عرض دارم اگرچه

وقت دیر است و جلسه را میخواهیم ختم کنیم و یکساعت هم از ظهر میگذرد ولی اگر شعب تشکیل نشود و کمیسیون عرایض و مرخصی و کمیسیون های عامل را انتخاب نکنیم کار ما یکپفتند بتعویق میافتد و اینهم بیش از چند دقیقه کار ندارد که هیئت عامله شعب و اعضای کمیسیون مربوطه بان را انتخاب و تعیین کنیم جلسه آینده روز سه شنبه هفتم دیماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه بقایای مالیاتی

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر